

ثواب و عقاب الهی در کلام فاطمه(س)

۲۱ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۱۶:۳۶

پدرم قیام کرد در میان مردم، پس آنها را از گمراهی رهایی بخشید، و از کوری نجاتشان داد و آنها را به دین محکم هدایت و به راه راست دعوت نمود.

چندی از رحلت رسول الله(ص) نگذشته بود که دو حادثه مهم و سرنوشت ساز تمام وقایع پس از آن را تحت تاثیر قرار داد. اول تشکیل سقیفه و غصب خلافت مسلمین بود و دیگری غصب فدک؛ قطعه زمینی اهدایی پیامبر گرامی اسلام به دخترش حضرت زهرا(س). همه اینها و حوادث کوچک و بزرگ حول این وقایع حضرت زهرا(س) را بر آن داشت که راهی مسجدالنبی(ص) شود و خطابه ایرد فرماید که پس از آن به خطبه فدک معروف شد. در نظر داریم تا در روزهای پیش رو شرحی مختصر از مضامین عالی این خطبه را ارائه نماییم.

شهادت بر توحید

وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

نیست خدایی جز الله تعالی ذات مستجمع جمیع صفات و شریکی برای او نیست.

كَلِمَةً جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا

برای این کلمه توحید خداند تاویلی قرار داده است. یعنی شهادت به وحدانیت کلمه ای است که ما می گوئیم و نتیجه و تاویل آن اخلاص در اعمال است.

وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا وَ أَنْارَ فِي التَّفَكُّرِ مَعْقُولَهَا

و همه دلها وابستگی به خدا را دربردارد. و خداوند نورانی کرده است فکرها را به همان اندازه که از کلمه توحید تعقل می کنند. (پس هرچه کلمه توحید در دل فرد قویتر باشد تفکر هم نورانی تر است.)

الْمُمْتَنِعُ مِنَ الْإِبْصَارِ رُؤْيَتَهُ وَمِنَ الْإِلْسَنِ صِفَتَهُ وَمِنَ الْإِوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ

دیدگان ممتنع است - یعنی قادر نیست - که خداوند را رویت کند و زبانها قادر نیست که او را آنچنان که هست توصیف کند. و اوهام هم نمی تواند حقیقت او را دریافت کند.

خلقت و ابداع

إِبْتِدَاعَ الْأَشْيَاءِ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بِإِلْحَاتِذِ أَمْثَلِهِ امْتَنَلَهَا

ساختن بدون هرگونه الگوگیری را ابداع گویند بر خلاف خلق که ساختن است و الگوگیری هم در آن است. ابداع به غیر خدا نسبت داده نمی شود برخلاف خلقت که گاه به غیر خدا هم نسبت داده می شود در آیه کریمه قرآن هم آمده: «أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» یعنی بهترین خلق کنندگان، پس دیگران هم می توانند خلق کنند. در کارهای بشری ماده و صورت از قبل هست و آدمی فقط شکلها را تغییر می دهد اما خداوند از کتم عدم، ماده و صورت و شکل را به صورت دفعی بیرون می آورد.

كُونَهَا بِقُدْرَتِهِ وَذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ

خداوند به سبب قدرتش ایجاد فرمود و به خواست و مشیتش آنها را آفرید.

هدف از آفرینش

مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ إِلَى تَكْوِينِهَا وَ لَا فَائِدَةٍ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا

درحالیکه این خلقتش نه برای احتیاجی بود و نه سودی برای او در این صورتبندیها حاصل میشد.

إِلَّا تَثْبِيْتًا لِحِكْمَةٍ وَ تَنْبِيْهًا عَلَى طَاعَتِهِ وَإِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ وَ تَعْبُدًا لِبَرِيَّتِهِ

مگر اینکه خلقت موجودات برای تثبیت حکمتش بود، و خداوند خلق کرد تا آگاه سازد انسان را بر طاعتش. و برای اینکه ظاهر کند قدرتش را و برای آنکه مخلوقات او را پرستش کنند.

وَ إِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ

و تقویت و تثبیتی است برای دعوتشیعنی خلقت و احتیاج مخلوق به حق تعالی بزرگترین پشتوانه برای تثبیت و تقویت دعوت انبیا است.

فلسفه ثواب و عقاب الهی

ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، ذِيَادَةً لِعِبَادِهِ عَنِ نَقِمَتِهِ، حِيَاشَةً لَهُمْ إِلَى جَنَّتِهِ

آنگاه خداوند قرار داده است پاداش بر طاعتش و کیفر بر معصیتش، برای اینکه بندگان را از کارهای زشت بازدارد. (این پاداش و تهدید) برای این است که خدا می خواهد همه را به بهشت ببرد.

شهادت به رسالت

وَ أَشْهَدُ أَنَّ ابِي مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، إِخْتَارَهُ وَ أَنْتَجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أَرْسَلَهُ وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَاهُ

و گواهی میدهم که پدرم بنده خدا و فرستاده او بود. خداوند اختیار کرد و برگزید پدرم را قبل از اینکه به او رسالت دهد. همین که او را زیر نظر گرفت او را ذکر کرد قبل از آنکه جدایش کند. (نام مقدس پیامبر اکرم(ص) را قبل از آنکه آن حضرت به این عالم بیاید و رسالتش ظاهر شود برای او انتخاب کرد).

وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَثَهُ، إِذِ الْخَلْقِ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةً وَ بَسْتِرِ الْأَهْوَالِ مَصُونَةً وَ بِنَهَايَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةً

و او را برگزید قبل از آنکه او را مبعوث کند. این انتخاب از سوی خداوند آنگاه بود که همه خلایق پوشیده و به پوشش هولها محفوظ بودند. (زمانی که هنوز موجودات پا به عرصه وجود نگذاشته بودند) و هنوز موجودات به منتهای عدم مقرون بودند.

عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَائِلِ الْأُمُورِ وَ إِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمَقْدُورِ

از آنجاکه خداوند به نظام وجود علم دارد و بر آینده همه امور از ازل تا ابد آگاهی و به موقعیت مقدرات شناخت داشت (می دانست که مقدرات این عالم هرکدام چه جایگاهی در نظام آفرینش دارند)

لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاقَ، ابْتَعَثَهُ اللَّهُ اِتِّمَامًا لِأَمْرِهِ وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمضَاءِ حُكْمِهِ وَ إِنفَادًا لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ

همه هستی طفیل وجود پیامبر اکرم(ص) است. خداوند پیغمبر را مبعوث کرد تا امر خود را تمام کند. و به وسیله بعثت پیغمبر خداوند همان حکمی را که از ازل داشته بود امضا کرد یعنی آن حکم ازلی را به اجرا درآورد. و خداوند به وسیله بعثت پیغمبر اکرم(ص) خواسته تا مقدرات حتمی خود را تنفیذ کند.

وضع مردم قبل از بعثت پیامبر خاتم(ص)

فَرَأَى الْأُمَمَ فِرْقًا فِي أَدْيَانِهَا، عَكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدًا لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا

خداوند دید امت ها از نظر دینی فرقه فرقه شده اند، و دید که مردم ملازم با آتش های آنها شدند (یعنی اینکه آتش پرست شده اند یا راهی را رفته اند که به جهنم منتهی می شود) و بتهایشان را عبادت می کنند. و با اینکه فطرتا نسبت به خدا شناخت داشتند خدا را منکر شدند.

فَأَنَارَ اللَّهُ بِأَبِي مُحَمَّدٍ ظُلْمَهَا وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا وَ جَلَا عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَمَهَا

سپس خداوند به وسیله پدرم ظلمتهای این فرقه ها را مبدل به نور کرد، و مبهماتشان را از دلها منکشف کرد. (یعنی آلودگی هایی که بر اثر پیروی از شهوات بر دل و دیده انسانها پیدا شده بود را با هدایتش برطرف نمود.) و روشن کرد از چشمهای آنها پوشش ایشان را.

وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهِدَايَةِ فَأَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ

و پدرم قیام کرد در مردم برای هدایت آنها، پس آنها را از گمراهی رهایی بخشید، و از کوری نجاتشان داد و بینا ساخت.

وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ وَ دَعَاهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ

و آنها را هدایت کرد به دین محکم و دعوت کرد آنها را به راه راست.

منبع: فرهنگ

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۲۸۳۶/نواب-عقاب-کلام-الهی-عقاب-نواب/۳۲۸۳۶>